

بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی

عادل عبدالمهی^۱، مهسا سعادت^۲، آرزو باقری^۳

چکیده

تفسیر گرایش گروه‌های مختلف، از جمله زنان، به فعالیت‌های اقتصادی و پیامدهای آن متأثر از بسترهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و همچنین جهان‌بینی افراد نسبت به جایگاه زنان در جامعه است. از این‌رو، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه جامعه‌می‌تواند حائز اهمیت باشد. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش، شامل زنان و مردان ۱۵ ساله و بیشتر هوارمانی است که جمعیت این گروه سنی ۷۲۷۵ نفر (حدوداً ۷۶ درصد) در سال ۱۳۹۰ سرشماری شد. تعداد ۳۸۷ نمونه با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب و فرمول کوکران به‌دست آمد که گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه ساختاریافته صورت گرفت. از این تعداد نمونه ۵۰/۶ درصد آن مرد، ۵۷/۴ درصد متأهل و ۴۵/۷ درصد شاغل بودند. گویه‌های سنجش دلایل زنان به فعالیت‌های اقتصادی شامل رسیدن به استقلال مالی، کسب وجهه اجتماعی، مشارکت در تأمین هزینه‌های زندگی به دلیل افزایش این هزینه‌ها طی سال‌های اخیر، پیروی از آداب و رسوم خانوادگی، نداشتن شغلی دیگر و گذران اوقات فراغت بودند. نتایج نشان داد که بیش از نیمی از مردان و زنان در سطوح مختلف فعالیت‌های اقتصادی، بر گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی به منظور رسیدن به استقلال مالی، کسب وجهه اجتماعی و همچنین مشارکت در تأمین هزینه‌های زندگی به دلیل افزایش این هزینه‌ها طی سال‌های اخیر، اجماع نظر داشتند. شایان ذکر است که زنان غیر شاغل کسب وجهه اجتماعی را دلیلی موجه برای فعالیت‌های اقتصادی زنان نمی‌دانستند و بیشتر بر مشارکت آنان در تأمین هزینه‌های زندگی به دلیل افزایش این هزینه‌ها طی سال‌های اخیر تأکید داشتند. هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر متغیرهای سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، وضع فعالیت و جنس بر روی دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی بود که سطوح مختلف وضع فعالیت ($p=0/003$ مقدار) و وضعیت تأهل برای هر دو جنس ($p=0/001$ مقدار) از نظر آماری معنی‌دار بود.

واژگان کلیدی: زنان، کنش‌های اقتصادی، استقلال مالی، کسب وجهه اجتماعی، هورامان.

^۱ نویسنده مسئول، دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، Abdolahi1980@gmail.com

^۲ دکترای آمار زیستی، mahsa.saadati@gmail.com

^۳ دکترای آمار کاربردی، abagheri_000@yahoo.com

^۴ استادیار پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

مقدمه و بیان مسأله

گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن همواره مورد توجه بسیاری از پژوهشگران مسائل اقتصادی و اجتماعی بوده است. یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور وضعیت زنان و نوع مشارکت آنان در محیط مردان می‌باشد، زیرا توسعه تنها در ارتباط با تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سرانه سنجیده نمی‌شود، بلکه عواملی مانند وضعیت سیاسی، اجتماعی و مشارکت همگانی افراد، به‌خصوص زنان، نیز بر این فرایند مؤثر است (گاردنر^۱، ترجمه محمدی، ۱۳۸۶ به نقل از راسخ و سعیدی، ۱۳۹۱: ۲۰). بنابراین، نحوه برخورد و رفتار جامعه با زنان از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی و اجتماعی در یک کشور است. همین نحوه برخورد است که شرایط را برای حضور فعال و مشارکت مؤثر زنان فراهم ساخته و سبب می‌شود تا زمینه برای مشارکت بیشتر زنان و بهره‌گیری جدی‌تر از قدرت، تفکر، ابداع و خلاقیت آن‌ها ایجاد شود (همان: ۲۰ به نقل از آزادارمکی، ۱۳۸۰). نتایج مطالعه سودهیر^۲ و لالرینکیمی^۳ (۱۹۸۶)، وینر^۴ (۱۹۷۶)، شاه^۵ (۲۰۰۷)، مقدم^۶ (۱۹۹۴)، دووماتو^۷ (۲۰۰۳)، گیلز^۸ (۱۹۹۵)، آرچر^۹ (۲۰۰۹) و گرای^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۶) پیرامون تغییر جایگاه زنان در فرایند جهانی شدن نشان می‌دهد که گسترش حضور زنان در کارهای بیرون از خانه و افزایش اوقات فراغت آن‌ها منجر به رهایی زنان از فشارهای ناشی از تصورات کلیشه‌ای شده و همین امر شرایط لازم را برای حضور زنان در میدان‌های علمی، سیاسی و اقتصادی فراهم آورده است. شادی‌طلب (۱۳۷۵) به بررسی دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان پرداخته و در این خصوص معتقد است که نادیده گرفتن کار زنان روستایی پدیده فرهنگی غالبی می‌باشد؛ چرا که در جامعه روستایی ایران، زنان در فضای خصوصی به کار اقتصادی می‌پردازند و خارج از منزل و در فضای عمومی نیز حضور فعال دارند؛ ولی با این حال کار زنان روستایی و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی چه در درون خانه و چه در واحد بهره‌برداری، کار تلقی نمی‌شود (همان: ۸۸).

¹ Gardner

² Sudhir

³ Lalrinkimi

⁴ Weiner

⁵ Shah

⁶ Moghadam

⁷ Doumato

⁸ Giles

⁹ Archer

¹⁰ Gray

مطالعه از کیا و همکاران (۱۳۹۳) نیز در جامعه مورد مطالعه با عنوان «جهان- محلی شدن و بازاندیشی در هویت زنان» نشان داد که در جامعه هورامان تأثیر ارزشهای سنتی و مردسالارانه در برخورد با پدیده اشتغال زنان در بیرون از منزل نمایان است. چرا که بسیاری از مردان ترجیح می‌دهند زنان به کاری مشغول باشند که منجر به کم‌رنگ شدن حضور آنها در منزل نشود. گرچه استقبال زنان از مشاغل خانگی در برابر مشاغل غیرخانگی نیز محسوس است ولی این گرایش در مقایسه با تمایل زنان به تحصیلات به مراتب کم‌رنگ‌تر است. همچنین فروش صنایع دستی هورامان در بازارهای فرامحلی در تقویت نگرش مردان پیرامون عدم استقبال آنها از اشتغال زنان به کارهای بیرون از منزل تأثیر قابل توجهی داشته است. به طوری که شرایط مذکور منجر به شکل‌گیری تدابیر و راهبردهایی متفاوت در بین زنان و مردان شده است. چرا که مردان با تشویق زنان به مشاغل خانگی از یک سوی درصدد تداوم کارکردهای جنسیت‌محور در درون خانواده‌ها هستند و از فراهم شدن زمینه خروج تدریجی زنان از منزل جلوگیری می‌کنند و از سوی دیگر زنان به شرایط پیش‌آمده به عنوان فرصتی در راستای دسترسی آنها به منابع مادی و رسیدن به استقلال نسبی می‌نگرند. این راهبرد نیز به نوبه خود دارای کارکرد پنهان برای زنان است چرا که زنان با این کار در صدد مقابله با پدیده سقف شیشه‌ای به مثابه موانع ساختاری ورود زنان به بازار کار، نهادینه کردن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خروج تدریجی زنان از منزل و به تبع آن کسب موفقیت در مشاغل رسمی می‌باشند. بر این اساس است که زنان از تولید صنایع دستی در منزل استقبال می‌کنند (از کیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). از سوی دیگر نتایج مطالعه اکتشافی نگارندگان تحت عنوان «تعیین ابعاد هویت زنان در تعامل ساختارها و کنش‌های اقتصادی- فرهنگی» حکایت از تغییر نگرش جامعه هورامان نسبت به کنش‌های اقتصادی- فرهنگی زنان اشاره دارد. به طوری که باز تعریف هویت زنان در بعد فردی و به دنبال آن بعد اجتماعی، به مثابه کارکرد عمده این کنش‌ها، در حال نهادینه شدن است. بر این اساس زنان در خلال تعامل روزافزون ساختارها با نیت آنها از کنش‌های اقتصادی و آموزشی، درصدد بازاندیشی در هویت سنتی خود هستند.

با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان گفت که گرایش گروه‌های مختلف، از جمله زنان، به فعالیتهای اقتصادی و پیامدهای آن متأثر از بسترهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و همچنین جهان‌بینی افراد نسبت به جایگاه زنان در جامعه است. از این‌رو، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به فعالیتهای اقتصادی از دیدگاه جامعه می‌تواند حائز اهمیت باشد. بر این اساس هدف اصلی این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر نگرش جامعه در خصوص دلایل گرایش زنان به فعالیتهای اقتصادی و مطالعه فرضیه‌های زیر است.

- بین جنسیت و دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی رابطه وجود دارد.
- بین سطح تحصیل و دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت تأهل و دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی رابطه وجود دارد.
- بین وضع فعالیت و دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی رابطه وجود دارد.

مبانی و چارچوب نظری

در بین انواع طبقه‌بندی‌ها از نظریه‌های جامعه‌شناسی، طبقه‌بندی این نظریه‌ها بر اساس سه پارادایم واقعیت اجتماعی، تعریف اجتماعی و رفتار اجتماعی مورد توجه است. در پارادایم واقعیت اجتماعی، فرض بر آن است که رفتار کنشگران اجتماعی تابع ساختارهای اجتماعی است و در این پارادایم، موضوع و تأکید جامعه‌شناسی معطوف به ساختارهای کلان در جامعه می‌باشد. در پارادایم تعریف اجتماعی، کنشگران اجتماعی صاحب قدرت تفکر و بازانديشي هستند. بنابراین آن‌ها صاحب اراده‌اند و می‌توانند واقعیت اجتماعی را خلق کنند و پارادایم سوم که رفتار اجتماعی نام گرفته رفتار انسان‌ها را تابعی از منطق پاداش، تنبیه، سود و زیان فرض می‌کند.

یکی از معتبرترین رویکردهای نظری مرتبط با کار زنان، نظریه‌های جنسیتی هستند که می‌توان آن‌ها را در پارادایم واقعیت اجتماعی قرار داد. در این گروه از نظریه‌ها فرض اصلی بر آن است که موقعیت زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط بوده و جزئی از یک نظام اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان‌اند. نکته‌ی مهم در این نظریه‌ها اختصاص کار خانگی و به‌ویژه مراقبت از کودکان به زنان است. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که گرایش به مشاغل خانگی زنانه، انعکاسی از نقش خانگی زنان است و همان‌طور که در بیشتر جوامع کار خانگی زنان کم‌ارزش‌تر تلقی شده است، این مشاغل و مهارت‌ها نیز کم‌ارزش‌اند. در واقع ممکن است مهارت مورد نیاز برای بعضی از مشاغل زنانه، کمتر از مشاغل مردانه (که مزد بیشتری برای آن‌ها پرداخت می‌شود) نباشد؛ اما این مشاغل، به دلیل این‌که زنان بیشتر در آن‌ها مهارت کسب کرده‌اند، دست کم گرفته می‌شوند. به‌علاوه، نظام‌های ارزیابی شغلی در تعیین ارزش که به ویژگی‌های منتسب به مردان، نظیر نیروی جسمانی، بیش از مهارت و شکیبایی اهمیت داده شود، گرایش دارد (نوروزی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). یکی دیگر از رویکردهای نظری مرتبط با موضوع این مطالعه، دیدگاه نابرابری است که در این‌جا نیز بر مقوله جنسیت تأکید می‌شود. در این زمینه

ولستون کرافت^۱ معتقد است که بسیاری از تفاوتها بین دو جنس به صورت اجتماعی، نه طبیعی ساخته می‌شوند (وود، ۱۹۹۹: ۲۲ به نقل از شادی‌طلب و خانجانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۳۶). همچنین از نظر برانت^۲ و همکاران (۱۹۹۹) رفتارهای نابرابر بر پایه ارزیابی همه فعالیتها با توجه به جنس و برتری دادن جنس معین، اعمال رفتارهای کلیشه‌ای جنسیتی و هر رفتاری که جنس را مبنای برتری قرار دهد، شکل می‌گیرد (به نقل از همان منبع: ۱۳۶).

از ورود عناصر نوسازی^۳ از قبیل آموزش مدرن، گسترش شهرنشینی و توسعه رسانه‌های ارتباطی نیز به عنوان عوامل تغییر در نگرش جوامع نسبت به موضوعات مختلف یاد شده است. با مروری بر تاریخ تحولات یک قرن اخیر در ایران می‌توان اذعان داشت که این کشور در برخورد با ورود عناصر نوسازی در ابعاد مختلف آن به‌صورت واقع‌بینانه، با آمادگی قبلی و همچنین مطابق با نیازهای اساسی‌اش روبه‌رو نشد و در واقع نسبت به این موضوع رویکردی یک‌جانبه و تقلیل‌گرایانه داشته است (اشرف، ۱۳۷۲؛ بهنام، ۱۳۷۲؛ جهاننگلو، ۱۳۸۳). لذا آهنگ تغییرات در ابعاد مختلف آن نیز به‌صورت موزون و هماهنگ پیش نرفت و در منطقه‌ای مانند هورامان که ورود عناصر نوسازی با یک تأخیر زمانی قابل توجه همراه بوده است، عدم یکنواخت بودن تغییرات نیز می‌تواند به صورتی مضاعف واکنش‌های متفاوتی را در نحوه نگرش جامعه به مباحثی مانند اشتغال زنان به دنبال داشته باشد. بر این اساس نحوه تفسیر جامعه از گرایش زنان به فعالیتهای اقتصادی می‌تواند تابعی از متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت زناشویی و وضعیت تأهل و همچنین نحوه تعامل و رویارویی افراد، با توجه به ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان، با ساختارهای اجتماعی و فرهنگی باشد.

روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

جامعه مورد مطالعه این تحقیق شامل ۱۲ روستا^۴ موسوم به هورامان تخت با ۹۵۴۳ نفر جمعیت می‌باشد (فرهنگ آبادی‌های استان کردستان: ۱۳۹۰). به طور کلی در تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی و محلی، هورامان را به سه ناحیه؛ هورامان ژاورود، هورامان لهن و هورامان تخت تقسیم‌بندی نموده‌اند که هورامان تخت حوزه اصلی پژوهش حاضر است. جمعیت مورد مطالعه

^۱ Wollestonecraft

^۲ Brant

^۳ Modernization

^۴ لازم به ذکر است که تعداد روستاهای جامعه‌ی مورد مطالعه ۱۶ روستا بود، ولی از آنجا که تعداد ۴ روستا خالی از سکنه و یا کمتر از ۴ خانوار بودند، تعداد روستاهای مورد مطالعه به ۱۲ روستا تقلیل یافت.

در این پژوهش، شامل زنان و مردان ۱۵ ساله و بیشتر هوارمانی است که جمعیت این گروه سنی ۷۲۷۵ نفر (حدوداً ۷۶ درصد) است. روش نمونه‌گیری بر پایه نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب انجام گرفت. در نهایت برای محاسبه حجم نمونه از فرمول منطقی کوکران استفاده شد (سرابی، ۱۳۸۲: ۱۳۹) که تعداد ۳۶۴ نمونه به‌دست آمد و به‌منظور جبران پرسش‌نامه‌های ناقص عدد مزبور به ۳۸۷ نمونه ارتقاء یافت. از مجموع ۳۸۷ نفر حجم نمونه، ۱۹۱ نفر زن (۴۹/۴ درصد) و ۱۹۶ نفر مرد (۵۰/۶ درصد) بودند. افراد زیر ۳۰ سال (۴۶/۳ درصد) ۳۰-۵۰ سال (۴۲/۰ درصد) بیشترین فراوانی و افراد ۵۰-۶۵ سال (۸/۳ درصد) و بالای ۶۵ سال (۳/۴ درصد) نیز کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۴۲/۶ درصد از کل نمونه مورد بررسی مجرد، ۵۷/۴ درصد متأهل بوده‌اند. وضع فعالیت پاسخ‌گویان نیز نشان می‌دهد که ۴۵/۷ درصد از جامعه آماری شاغل، ۷/۸ غیر شاغل، ۱۷/۱ درصد دانش‌آموز، ۹/۰ درصد دانشجو و ۲۰/۴ درصد خانه‌دار بوده‌اند. از نظر سطح تحصیلی نیز ۳۶/۳ درصد مقطع راهنمایی و کمتر، ۳۵/۹ درصد مقطع دبیرستان و دیپلم، ۲۵/۱ درصد فوق‌دیپلم و لیسانس، ۲/۸ درصد مقطع فوق لیسانس و دکترا بوده‌اند.

یافته‌ها

جدول (۱) توزیع فراوانی متغیرهای پیش‌بین مطالعه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ۴۹/۴ درصد افراد مطالعه را زنان، ۲۷/۹ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی و اغلب آنان را شاغلین و متأهلین تشکیل داده‌اند. جدول (۲) درصد متغیرهای سطح تحصیلی، وضع فعالیت و وضعیت تأهل را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. براساس این جدول اکثر زنان حاضر در مطالعه دارای تحصیلات دبیرستان و دیپلم (۴۴/۰ درصد)، خانه‌دار (۴۰/۸ درصد) و متأهل (۵۵/۰ درصد) بوده‌اند.

جدول (۱): توزیع فراوانی متغیرهای پیش‌بین مطالعه

متغیر	مقدار	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۹۶	۵۰/۶
	زن	۱۹۱	۴۹/۴
سطح تحصیلی	راهنمایی و کمتر	۱۴۰	۳۶/۳
	دبیرستان و دیپلم	۱۳۹	۳۵/۹
	فوق دیپلم و لیسانس	۹۷	۲۵/۱
	فوق لیسانس و دکترا	۱۱	۲/۸
وضع فعالیت	شاغل	۱۷۷	۴۵/۷
	غیرشاغل	۳۰	۷/۸
	دانش‌آموز	۶۶	۱۷/۱
	دانشجو	۳۵	۹/۰
وضعیت تأهل	مجرد	۱۶۵	۴۲/۶
	متأهل	۲۲۲	۵۷/۴
کل		۳۸۷	۱۰۰

جدول (۲): درصد متغیرهای پیش‌بین مطالعه به تفکیک جنسیت

متغیر	مقدار	جنسیت
سطح تحصیلی	راهنمایی و کمتر	مرد ۳۱/۱ زن ۴۱/۴
	دبیرستان و دیپلم	مرد ۲۸/۱ زن ۴۴/۰
	فوق دیپلم و لیسانس	مرد ۳۶/۲ زن ۱۳/۶
	فوق لیسانس و دکترا	مرد ۴/۶ زن ۱/۰
وضع فعالیت	شاغل	مرد ۷۷/۶ زن ۱۳/۱
	غیرشاغل	مرد ۸/۴ زن ۷/۱
	دانش‌آموز	مرد ۱۴/۸ زن ۱۹/۴
	دانشجو	مرد ۰ زن ۱۸/۳
وضعیت تأهل	مجرد	مرد ۴۰/۳ زن ۴۵/۰
	متأهل	مرد ۵۹/۷ زن ۵۵/۰
کل		مرد ۱۰۰ زن ۱۰۰

نگرش جامعه در مورد دلایل گرایش زنان به فعالیتهای اقتصادی در این مطالعه به عنوان متغیر پاسخ در نظر گرفته شد که از ترکیب گویه‌های رسیدن به استقلال مالی، کسب وجه اجتماعی، مشارکت در تأمین هزینه‌های زندگی به دلیل افزایش این هزینه‌ها در سال‌های اخیر،

پیروی از آداب و رسوم خانوادگی، نداشتن شغل دیگر و گذران اوقات فراغت با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بدست آمد. نگرش جامعه در مورد دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی دارای میانگین $0/50 \pm 0/68$ ، مینیمم $0/25$ و ماکسیمم $4/67$ بدست آمد.

جدول (۳) آماره‌های توصیفی متغیر پاسخ را به تفکیک متغیرهای پیش‌بین مطالعه نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین نگرش جامعه در مورد دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی برای افراد با تحصیلات راهنمایی و کمتر، مجردان و شاغلان به ترتیب بیشتر از مردان، افراد با تحصیلات دبیرستان و بیشتر، متأهلان و سایر سطوح وضع فعالیت است.

جدول (۳): آماره‌های توصیفی نگرش جامعه در مورد دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های

اقتصادی به تفکیک متغیرهای پیش‌بین مطالعه

متغیر	مقدار	می‌نیمم	ماکسیمم	میانگین	انحراف معیار
جنسیت	مرد	0/25	4/63	0/68	0/51
	زن	0/33	4/67	0/69	0/51
سطح تحصیلی	راهنمایی و کمتر	0/29	4/63	0/71	0/48
	دبیرستان و دیپلم	0/29	4/67	0/67	0/50
	فوق دیپلم و لیسانس	0/25	4/54	0/66	0/57
	فوق لیسانس و دکترا	0/46	0/83	0/63	0/12
وضع فعالیت	شاغل	0/25	4/67	0/75	0/73
	غیرشاغل	0/42	0/88	0/60	0/11
	دانش‌آموز	0/29	0/88	0/61	0/13
وضعیت تأهل	مجرد	0/29	4/67	0/70	0/62
	متأهل	0/25	4/63	0/67	0/40
	خانهدار	0/33	1/00	0/64	0/13

به منظور بررسی تأثیر هر یک از متغیرهای پیش‌بین بر نگرش جامعه در مورد دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی از تحلیل واریانس با اثرات ثابت و با وارد کردن کلیه اثرات متقابل دوطرفه استفاده شد. جدول (۴) نتایج حاصل از تحلیل واریانس را نشان می‌دهد.

جدول (۴): تحلیل واریانس نگرش جامعه در مورد دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی

منبع تغییرپذیری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	p-مقدار
جنسیت	۰/۰۰۲	۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷	۰/۹۳۴
سطح تحصیلی	۰/۴۲۱	۳	۰/۱۴۰	۰/۵۶۶	۰/۶۳۸
وضع فعالیت	۰/۳۴۴	۴	۰/۰۸۶	۰/۳۴۷	۰/۸۴۶
وضعیت تأهل	۰/۰۳۴	۱	۰/۰۳۴	۰/۱۳۹	۰/۷۰۹
جنسیت X سطح تحصیلی	۰/۱۷۵	۳	۰/۰۵۸	۰/۲۳۵	۰/۸۷۲
جنسیت X وضع فعالیت	۳/۴۶۱	۳	۱/۱۵۴	۴/۶۵۵	*۰/۰۰۳
جنسیت X وضعیت تأهل	۲/۸۲۷	۱	۲/۸۲۷	۱۱/۴۰۶	*۰/۰۰۱
سطح تحصیلی X وضع فعالیت	۰/۴۵۶	۹	۰/۰۵۱	۰/۲۰۴	۰/۹۹۴
سطح تحصیلی X وضعیت تأهل	۰/۶۰۰	۳	۰/۲۰۰	۰/۸۰۷	۰/۴۹۰
وضع فعالیت X وضعیت تأهل	۲/۰۶۹	۴	۰/۵۱۷	۲/۰۸۷	۰/۰۸۲
خطا	۸۷/۷۳۲	۳۵۴	۰/۲۴۸		
کل	۲۷۷/۶۹۱	۳۸۷			

* معنی‌دار در سطح ۰/۰۱

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هیچ‌یک از اثرات اصلی، تأثیر معنی‌داری بر روی متغیر پاسخ ندارند و تنها اثرات متقابل جنسیت با وضع فعالیت و جنسیت با وضعیت تأهل در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار هستند. معنی‌داری این اثرات متقابل حاکی از نقش متفاوتی است که جنسیت در هر یک از سطوح فعالیت و تأهل بر نگرش جامعه در مورد دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند. این مسئله با بررسی دقیق‌تر میانگین متغیر پاسخ در هر یک از سطوح حاصل از تقاطع جنسیت با وضع فعالیت و وضعیت تأهل نمایان می‌گردد. جدول (۵) این مسئله را نشان می‌دهد.

جدول (۵): میانگین نگرش جامعه در مورد دلایل گرایش زنان به فعالیتهای اقتصادی برای وضعیت تأهل × وضع فعالیت، و جنسیت × سطوح مختلف جنسیت

متغیر	مقدار	جنسیت	
		مرد	زن
وضع فعالیت	شاغل	۰/۶۹۸±۰/۵۶۸	۱/۰۷۲±۱/۳۱۸
	غیرشاغل	۰/۶۱۶±۰/۱۳۶	۰/۵۸۶±۰/۰۸۷
	دانش آموز	۰/۶۰۳±۰/۱۱۹	۰/۶۱۳±۰/۱۳۵
	دانشجو	۰	۰/۶۲۴±۰/۱۰۷
	خانه دار	-	۰/۶۴۴±۰/۱۲۹
وضعیت تأهل	مجرد	۰/۶۴۷±۰/۴۴۵	۰/۷۴۸±۰/۷۳۷
	متأهل	۰/۶۹۷±۰/۵۴۲	۰/۶۳۵±۰/۱۲۸

همان گونه که ملاحظه می شود زنان شاغل، دانش آموز و مجرد نسبت به مردان شاغل، دانش آموز و مجرد میانگین نگرش جامعه در مورد دلایل گرایش زنان به فعالیتهای اقتصادی بزرگتری دارند و در سایر سطوح (بجز دانشجو و خانه دار) میانگین این متغیر برای مردان از زنان بزرگتر است که با معنی داری اثر متقابل جنسیت با هر یک از وضع فعالیت و وضعیت تأهل در یک راستا قرار می گیرد. بنابراین تحلیل جداگانه وضع فعالیت و وضعیت تأهل با نادیده گرفتن نقش جنسیت منجر به گمراهی در تفسیر نتایج می گردد.

بحث و نتیجه گیری

بسیاری از نظریه های جامعه شناسی مبتنی بر رویکرد واقعیت گرایی اجتماعی می باشند و چنین استدلال می کنند که تجربه موقعیتهای اجتماعی متفاوت منجر به شکل گیری نگرش های متفاوت در بین کنشگران اجتماعی می شود. جنسیت نیز از جمله متغیرهایی است که سبب شکل گیری تجارب متفاوت در جامعه و پس از آن نگرش افراد می گردد. از این رو، انتظار می رود که نگرش کنشگران اجتماعی در وضعیتهای مختلف از جمله وضعیت تأهل، وضع فعالیت و جنسیت نسبت به دلایل گرایش زنان به اشتغال متفاوت باشد. بنابراین، با استفاده از ادبیات نظری و تجربی موضوع گویه هایی از قبیل رسیدن به استقلال مالی، کسب وجهه اجتماعی، مشارکت در تأمین هزینه های زندگی به دلیل افزایش این هزینه های سال های اخیر، پیروی از آداب و رسوم خانوادگی، نداشتن شغلی دیگر و گذران اوقات فراغت به عنوان مهم ترین مؤلفه ها در شکل گیری دلایل گرایش زنان به فعالیتهای اقتصادی در نظر گرفته شدند. نتایج نشان داد

که متغیرهای سطح تحصیلی، وضعیت تأهل، وضع فعالیت و جنسیت بر روی دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی اثر مستقیم ندارند، در صورتی که اثر متقابل جنسیت با وضعیت تأهل و وضع فعالیت معنی‌دار شد.

بخشی از نتایج بدست آمده همسو با مطالعه شهریاری (۱۳۷۷) است که به منظور سنجش نگرش مردان به اشتغال رسمی زنان انجام شده و نتایج آن حکایت از وجود رابطه معنادار میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی مردان و نگرش آنان به اشتغال زنان دارد. بدین معنی که مردان در پایگاه متوسط بیش از سایر پایگاه‌ها با اشتغال زنان موافق می‌باشند و در پی آن به ترتیب پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین قرار دارند. میان سواد مردان و نگرش به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود داشت، بدین شکل که هر چه سطح سواد مردان بالاتر می‌رود، به اشتغال زنان نگرش مثبت‌تری دارند. همچنین مردان متأهل نگرش منفی‌تری نسبت به مجردین ابراز داشته‌اند. همچنین لهسایبی‌زاده (۱۳۸۰) که در بررسی خود به عوامل مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه پرداخته نشان داد که بین منزلت شغلی و طبقه اجتماعی و نگرش مردان رابطه معنی‌دار وجود دارد و مردان با تحصیلات بالا نسبت به نقش زنان در جامعه نگرش مثبت‌تری دارند. در رابطه با مهم‌ترین دلایل زنان نیز به فعالیت‌های اقتصادی یافته‌های تحقیق گلرد (۱۳۸۴) نشان داد که مهم‌ترین انگیزه‌ها و اهداف زنان در کسب و کار، رضایت شغلی و کسب اعتبار و قدرت در جامعه و مهم‌ترین ویژگی آنان توفیق‌طلبی و خلاقیت است.

منابع

- ازکیا، مصطفی، وثوقی، منصور، عبدالهی، عادل (۱۳۹۳) "جهان- محلی شدن و بازاندیشی در هویت زنان: مطالعه موردی هورامان تخت"، فصلنامه علمی- پژوهشی توسعه روستایی، ۵ (۲)، صص ۲۲-۱.
- اشرف، احمد (۱۳۷۲) "زمینه‌های سنت‌گرایی و تجدد خواهی"، ایران‌نامه، دوره ۲، شماره ۱۱، صص ۱۸۴-۱۶۳.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۲) "ویژگی تجدد در ایران"، ایران‌نامه، دوره ۲، شماره ۱۱.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۳) "جهانی بودن یا جهانی شدن؟ مصاحبه با دکتر رامین جهانبگلو"، فصلنامه مجلس و پژوهش، دوره ۴۳، شماره ۱۱، صص ۳۹۸-۳۷۹.
- خانجانی‌نژاد، لیلا، شادی‌طلب، ژاله (۱۳۹۱) "نگرش زنان روستایی به توانایی‌های زنان در مدیریت اجرایی روستا (مطالعه موردی روستاهای پلتکله و بالاپاکیاده شهرستان لنگرود)"، مجله پژوهش‌های روستایی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۶۰-۱۳۵.
- راسخ، کرامت‌اله، سعیدی، ندا (۱۳۹۱) "بررسی حضور و قدرت زنان در محیط اجتماعی مردان"، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱۹-۳۱.
- ساروخانی، باقر، رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳) "زنان و باز تعریف هویت اجتماعی"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۶۰.
- سرایی، حسن (۱۳۸۲) مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۵) "دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۸، صص ۸۹-۸۱.
- گلرد، پروانه (۱۳۸۴) "عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی"، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۱۲۴-۱۰۱.
- نوروزی، لادن (۱۳۸۳) "تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی"، مجله پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۷۸-۱۶۵.
- Archer, C. C. (2009). Women and Globalization. Women and Politics Around the World: A Comparative History and Survey, 1, 17.
- Doumato, E. A., & Posusney, M. P. (2003). Women and globalization in the Arab Middle East: gender, economy, and society. Lynne Rienner Publishers.
- Giles, J. (1995). Women, identity and private life in Britain, 1900-50. Macmillan Basingstoke.
- Gray, M. M., Kittilson, M. C., & Sandholtz, W. (2006). Women and globalization: A study of 180 countries, 1975-2000. International Organization, 60(02), 293-333.

- M. A. Sudhir, L. (1986). Modernity in the Context of Education and Sociocultural Factors: A Study of Social Attitudes in Mizoram. The Journal of social psychology, 126(3), 375–380.
- Moghadam, V. M. (1994). Identity politics and women: Cultural reassertions and feminisms in international perspective. Westview Press Boulder, CO.
- Shah, S. M. A. (2007). Women and globalization. Pakistan Horizon, 60(4), 47–67.
- Weiner, A. B. (1976). Women of value, men of renown: New perspectives in Trobriand exchange. University of Texas Press Austin.
- Weiner, A. B. (1976). Women of value, men of renown: New perspectives in Trobriand exchange. University of Texas Press Austin.

